فیش منبر هجدهم روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۷ه.ق/ گزیر ناپذیری از حکومت الهی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«اِلهی! ... وَمِنْ اَینَ لِی النَّجاه وَلا تُسْتَطاعُ اِلاّ بِکَ لاَ الَّذی اَحْسَنَ اسْتَغْنی عَنْ عَوْنِکَ وَرَحْمَتِکَ وَلاَ الَّذی اَسآءَ وَاجْتَرَءَ عَلَیکَ وَلَمْ یرْضِکَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِکَ» (دعای ابوحمزه ثمالی)**

**مناسبت: نیمه دوم ماه رمضان**

ایجاد انگیزه[[۱]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn1" \o ")

آنگاه که کودکی به خواسته‌ای می‌رسد، مثلاً با حیله‌های کودکانه اسباب‌بازی دلخواه خود را به دست می‌آورد؛ شادمان می‌شود و گمان می‌کند که دیگر این شیء برای خود  اوست، هیچ کسی نمی‌تواند از او بگیرد و به گمانش می‌تواند با آن هر کاری انجام دهد، حتی کارهایی که به ضرر خود و دیگران باشد! او فکر می‌کند همه چیز برای او تمام شده است؛ اما تا می‌خواهد با آن اسباب‌بازی کار خطرناکی انجام دهد، مادرش آن وسیله را از او می‌گیرد. گرفتنِ اسباب بازی همانا و شروع گریه همانا.

همین کودک وقتی بزرگتر می‌شود، باز هم دست به انجام کارهایی می‌زند و گمان می‌کند این کارها و چیزها برای خودش هست و هیچ کسی نمی‌تواند جلوی او را بگیرد. همسایه‌آزاری می‌کند، می‌گویی چه می‌کنی! می‌گوید «چهار دیواری، اختیاری!» به او می‌گویی: قوانین رانندگی را رعایت کن! اینقدر تند رانندگی نکن! می‌گوید دویست میلیون پول ماشین نداده‌ام که فقط نگاهش کنم! به او می‌گویی به نیازمندان کمک کن، می‌گوید جان کنده‌ام، زحمت کشیده‌ام، پول در آورده‌ام، علف خرس که نیست![[۲]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn2" \o ")

ما نیز چنین حالاتی را یا در خود و یا در دیگران دیده‌ایم! اما چرا این اتفاقات رخ می‌دهد؟

ریشه این حالات بدی که در آدمیان مشاهده می‌شود، «استغناء و بی‌نیازی از خداوند متعال» است. زمانی که شخصی احساس استقلال کرد، طغیان می‌کند: «کَلاَّ إِنَّ الْإِنْسانَ لَیَطْغى‏أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى[[۳]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn3" \o ")؛‏ حقّاً که انسان سرکشى مى‏کند، همین که خود را بى‏نیاز پندارد.»

در تاریخ می‌بینیم، کسانی که موجب فساد شده‌اند، این ویژگی را داشته‌اند. به روش حکومت فرعون نگاه کنید که خواسته‌های مستانه فراوانی داشته: «إِنَّ فِرْعَوْنَ‏ عَلا فِی الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَها شِیَعاً یَسْتَضْعِفُ طائِفَةً مِنْهُمْ یُذَبِّحُ أَبْناءَهُمْ وَ یَسْتَحْیی‏ نِساءَهُمْ إِنَّهُ کانَ مِنَ الْمُفْسِدینَ[[۴]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn4" \o ")؛ فرعون در سرزمین‏[مصر] سر برافراشت، و مردمِ آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‏اى از آنان را زبون مى‏داشت: پسرانشان را سر مى‏برید، و زنانشان را [براى بهره‏کشى‏] زنده بر جاى مى‏گذاشت، که وى از فسادکاران بود.»

آیا حقیقتاً ما مستقل هستیم و در عالم هستی همه چیز به خود ما سپرده شده است؟ آیا در عالم برنامه‌های ما بدون حساب و کتاب است و می‌توانیم دست به هر کاری بزنیم یا اینکه تحت فرمان و کنترل می‌باشیم؟

**متن و محتوا**

بسیار واضح است که نه به وجود آمدن ما، دست خودمان بوده و نه از دنیا رفتنمان، نه می‌توانیم سلامتی خود را تضمین کنیم نه می‌توانیم به اراده خود از بیماری‌ها رها شویم! از چگونگی مرگ و زندگی خود آگاه نیستیم و نمی‌دانیم کجا دفن می‌شویم. می‌خوابیم در حالی که معلوم نیست، دیگر بیدار شویم. این چه استقلالی است که برخی از افراد ادعای آن را  دارند؟

چطور می‌توانیم بگوییم مستقل هستیم در حالی که اگر دمی رفت، در تحقق بازدمش استقلال نداریم و تا خدا نخواهد بازدمی محقق نمی‌شود؟

آری، اگر قبول کرده‌ایم که خالقی داریم، باید بدانیم، خالق کسی نیست که بسازد و برود، بلکه لحظه‌لحظه وجودِ مخلوق وابسته به خالق است. ریشه بسیاری از اشتباهات ما این است که خود را جدای از خالقمان می‌بینیم، نمی‌فهمیم وابسته به او هستیم؛ برای درمان این حالت، شایسته است بدانیم خداوند قادر مطلق است و  همه قدرت‌ها در برابر قدرت بی‌نهایت الهی ناچیز است. نکته دیگر اینکه باید خود را تحت فرمان و حکومت الهی بدانیم. برای حاکمیت مقتدرانه الهی در عالم نشانه‌های متعددی وجود دارد که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود.

نشانه‌های گریز ناپذیری بنده از حکومت الهی

۱. ضعف و ناتوانی انسان

انسان ضعیف خلق شده و ضعف صفت ذاتی اوست: «خُلِقَ الإِنسَانُ ضَعِیفًا[[۵]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn5" \o ")»

یعنی انسان در برابر خداوند و قدرت نامحدود او، هیچ است.

خداوند متعال در آیه‌ ۵۴ سوره‌ روم می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّهً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّهٍ ضَعْفاً وَ شَیْبَهً یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ هُوَ الْعَلِیمُ الْقَدِیرُ؛ خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی، قوّتی بخشید، آنگاه بعد از توانایی و قوّت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می‌آفریند، و اوست دانای توانا.»

اگر کسی ضعف خود در برابر خدا را درک کند، سبب پرهیز او از سرکشی شده و به ریسمان محکم الهی چنگ می‌زند. ما باید بدانیم اگر عالِم دهر هم باشیم، ممکن است در یک لحظه همه علوممان را فراموش کنیم.

مرحوم آقای بهجت (ره) می‌فرماید: «مرحوم آقا شیخ محمدحسین اصفهانی غروی درسی را برگزار کردند که بزرگانی چون مرحوم آقای میلانی، مرحوم آقای طباطبایی و مرحوم آقاشیخ علی محمد بروجردی در آن درس شرکت می‌کردند. اما سه روز متوالی مطالب درس ایشان کاملا تکراری بود. آقا شیخ علی محمد بروجردی که با ایشان خودمانی‌تر بودند از ایشان حکمت این کار را سؤال کردند. ایشان فرمودند: سه روز است که مغز من جامد است و هیچ فکر جدیدی به ذهنم نمی‌آید.»

ایشان این ماجرا را این‌گونه تفسیر می‌کردند که: «خدا می‌خواست به ایشان بفهماند که چه قدر محتاج به خداست و تفضل هر علم جدیدی به دست اوست، فهمیدن اینکه عبد چه قدر نیازمند به خداست، هم برای خود ایشان و هم برای شاگردان‌شان از هر درسی مفیدتر بود»

خدا گاهی نعمتی را از بنده‌اش می‌گیرد و او مرتکب اشتباهات پیش پا افتاده‌ای می‌شود تا به او بفهماند که این نعمت مال او نیست و نباید مغرور شود. این کار نوعی ادب الهی است که خداوند در حق بندگان خالصش اِعمال می‌کند. گاه برای تأدیب آن‌ها با کوچک‌ترین اشتباه، آن‌ها را مؤاخذه می‌کند و آنان را از نعمت‌هایی که به آن‌ها داده، محروم می‌کند.

حضرت یوسف (ع) لحظه‌ای در زندان از یاد خدا غافل شد: «وَ قالَ لِلَّذی ظَنَّ أَنَّهُ ناجٍ مِنْهُمَا اذْکُرْنی‏ عِنْدَ رَبِّکَ فَأَنْساهُ الشَّیْطانُ ذِکْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِی السِّجْنِ بِضْعَ سِنینَ[[۶]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn6" \o ")؛ و به آن یکى از آن دو نفر، که مى‏دانست رهایى مى‏یابد، گفت: «مرا نزد صاحبت [سلطان مصر] یادآورى کن!» ولى شیطان یادآورى او را نزد صاحبش از خاطر وى برد و به دنبال آن، (یوسف) چند سال در زندان باقى ماند.»

اما او بعد از آزاد شدن به طور کلی یوسف را فراموش کرد. بنابر برخی روایات، علت این فراموشی و طولانی شدن زندانی حضرت این بود که خدا می‌خواست به ایشان بفهماند که خطا کردی که به غیر خدا امید بستی.

خداوند حضرت یونس (ع) را نیز به خاطر ارتکاب یک ترک اولی مدتی در شکم ماهی حبس کرد. او سال‌های سال مردم را هدایت نموده و بارها بی‌مهری‌ها آن‌ها را تحمل کرده بود. اما با ظاهر شدن آثار عذاب آن‌ها را رها کرد «وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنادى‏ فِی الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمین[[۷]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn7" \o ")؛ و ذا النون [یونس‏] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین مى‏پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت (امّا موقعى که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمت‌ها (ى متراکم) صدا زد: «(خداوندا!) جز تو معبودى نیست! منزّهى تو! من از ستمکاران بودم!»

شاید استحباب خواندن این آیه در نماز غفیله هر شب برای این است که این داستان را فراموش نکنیم و بدانیم که خدا با کسی تعارف ندارد و حتی پیامبر خویش را به خاطر یک کوتاهی کوچک که تکلیف شرعی هم نبود تنبیه می‌کند.[[۸]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn8" \o ")

۲.قدرت بی نهایت الهی

ما مسلمانان اعتقاد داریم که خداوند، همه صفات نیک را داراست. خدایی که حقیقتش بی نهایت است، پس علمش، قدرتش و ... باید بی نهایت باشد. این در ناحیه اعتقاد است. اما برای باور کردن این مسئله بهتر است نشانه‌های قدرت الهی را مشاهده کنیم.

نقل شده: نمرود همواره با مرکب سلطنت، تاخت و تاز مى‏کرد و به شیوه‏هاى طاغوتى خود ادامه مى‏داد تا اینکه خداوند فرشته‏اى را به صورت انسان، براى نصیحت نزد نمرود فرستاد، این فرشته پس از ملاقات با نمرود، به او چنین گفت: «... اینک بعد از آن همه خیره سرى‏ها و آزارها و سپس سرافکندگى‏ها و شکست‏ها، سزاوار است که از مرکب سرکش غرور فرود آیى، و به خداى ابراهیم (ع) که خداى آسمان‏ها و زمین است ایمان بیاورى، و از ظلم و ستم و شرک و استعمار، دست بردارى، در غیر این صورت فرصت و مهلت به آخر رسیده، اگر به روش خود ادامه دهى، خداوند داراى سپاه‏هاى فراوان است و کافى است که با ناتوانترین آن‏ها تو و ارتش عظیم تو را از پاى در آورد.»

نمرود این نصایح را به باد مسخره گرفت و با کمال گستاخى و پررویى گفت: «در سراسر زمین، هیچ‌کسی همچو من داراى نیروى نظامى نیست، اگر خداى ابراهیم (ع) داراى سپاه هست، بگو فراهم کند، ما آماده جنگیدن با آنان هستیم.»

فرشته گفت: اکنون که چنین است سپاه خود را آماده کن.

نمرود سه روز مهلت خواست و در این سه روز آن چه توانست آماده کرد. آنگاه نمرود، ابراهیم (ع) را طلبید و به او گفت: این لشگر من است!

ابراهیم (ع) جواب داد: شتاب مکن، هم اکنون سپاه من نیز فرا مى‏رسند.

در حالى که نمرود و نمرودیان، سرمست غرور بودند و از روى مسخره قاه قاه مى‏خندیدند، ناگاه از طرف آسمان انبوهی از پشه ظاهر شد و به جان سپاهیان نمرود افتادند (آن‏ها آن قدر زیاد بودند که مثلاً هزار پشه روى یک انسان مى‏افتاد، و آن قدر گرسنه بودند که گویى ماه‏ها غذا نخورده‏اند) طولى نکشید که ارتش عظیم نمرود در هم شکست و به طور مفتضحانه به خاک هلاکت افتاد.

شخص نمرود در برابر حمله برق آساى پشه‏ها به سوى قصر خود گریخت، وارد قصر شد و در آن را محکم بست، و وحشت‏زده به اطراف نگاه کرد. در آنجا پشه‏اى ندید، احساس آرامش کرد، با خود مى‏گفت: نجات یافتم، آرام شدم، دیگر خبرى نیست...

در همین لحظه باز همان فرشته ناصح، به صورت انسان نزد نمرود آمد و او را نصیحت کرد و به او گفت: لشکر ابراهیم (ع) را دیدى! اکنون بیا و توبه کن و به خداى ابراهیم (ع) ایمان بیاور تا نجات یابى!

نمرود به نصایح مهرانگیز آن فرشته ناصح، اعتنا نکرد. تا اینکه روزى یکى از همان پشه‏ها از روزنه‏اى به سوى نمرود پرید، لب پایین و بالاى او را گزید، لب‌هاى او ورم کرد، سرانجام همان پشه از راه بینى به مغز او راه یافت و همین موضوع به قدرى باعث درد شدید و ناراحتى او شد، که گماشتگان سر او را مى‏کوبیدند تا آرام گیرد، سرانجام او با آه و ناله و وضعیت بسیار نکبت‏بارى به هلاکت رسید، و طومار زندگى ننگینش پیچیده شد.[[۹]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn9" \o ")

به تعبیر قرآن‏ «وَ أَرادُوا بِهِ کَیْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرین[[۱۰]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn10" \o ")؛ نمرودیان با تزویر و نقشه‏هاى گوناگون خواستند تا ابراهیم را شکست دهند، ولى خود شکست خوردند.»

به گفته پروین اعتصامى

خواست تا لاف خداوندى زند                برج و بارى خدا را بشکند

پشه‏اى را حکم فرمودم که خیز             خاکش اندر دیده خودبین بریز

امام صادق (ع) درباره قضیه نمرود فرموده است: «خداوند ناتوان‏ترین خلق خود، پشه را به سوى یکى از جباران خودکامه (نمرود) فرستاد، آن پشه در بینى او وارد گردید، تا به مغز او رسید، و او را به هلاکت رسانید، و این یکى از حکمت‏هاى الهى است که با ناتوان‏ترین مخلوقاتش، قلدرترین موجودات را از پاى در مى‏آورد.»[[۱۱]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn11" \o ")

در روایت دیگری آمده: «آن پشه نیمه فلج بود، و یک قسمت از بدنش قوت نداشت، وقتى که وارد مغز نمرود شد به زبان حال چنین گفت: اى نمرود! اگر مى‏توانى مرده را زنده کنى، این نیمه مرده مرا زنده کن، تا با قوت آن قسمت از بدنم که فلجى آن خوب شده، از بینى تو بیرون آیم، و یا این قسم بدنم را که سالم است بمیران تا خلاص شوى.»[[۱۲]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn12" \o ")

قارون یکی دیگر از انسان‌هایی بوده که با خیال خامش خود را قادر مطلق می دانست و فکر می کرد دستی بالای دست او نیست.

حضرت موسی (ع) بارها او را نصیحت کرد، ولی قارون فقط موسی (ع) را مسخره می‌کرد. تا آنکه آن حضرت در خشم شد و به زمین امر کرد تا به اذن الهی قارون را بگیرد. زمین شکافته شد و قارون با تختش تا ساق پا فرو رفتند. قارون به التماس افتاد، ولی موسی نپذیرفت و زمین قارون را با همراهان و تمام خزائنش در خود فرو برد. خطاب شد یا موسی! قارون چند بار به تو التماس کرد تا نجات یابد. عرض کرد: هفتاد بار. خطاب شد به حق جبروت خودم اگر یکبار از من تقاضای عفو می‌کرد او را می‌بخشیدم.[[۱۳]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn13" \o ")

ما نیز امروزه در کشورِ ایرانِ اسلامی زندگی می‌کنیم. کشوری که در سال پنجاه و هفت، کاری کرد که با هیچ کدوم از ضوابط و قواعد حکومتی سازگار نبود.

امام خمینی (ره) در مقابل کسی ایستاد که جز به قدرت خدا مقاومت در مقابل او امکان نداشت. خداوند متعالی تمامی شوکت و قدرت شاه را یک باره در زمین دفن کرد.

گر نگهدار من آنست که من می‌دانم                          شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد

این داستان‌ها همه نشانه‌هایی از اراده و قدرت الهی است. آیا جا ندارد باور کنیم، خدای متعالی به راحتی می‌تواند قاعده بازی را زیر و رو کند؟

امام سجاد (ع) اینگونه با خداوند قادر مناجات می کنند: «اِلهی! ... وَمِنْ اَینَ لِی النَّجاه وَلا تُسْتَطاعُ اِلاّ بِکَ لاَ الَّذی اَحْسَنَ اسْتَغْنی عَنْ عَوْنِکَ وَرَحْمَتِکَ وَلاَ الَّذی اَسآءَ وَاجْتَرَءَ عَلَیکَ وَلَمْ یرْضِکَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِکَ[[۱۴]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn14" \o ")؛ پروردگارا! از کجا نجاتی برایم باشد با اینکه نجاتی نتوان یافت جز به کمک تو. نه آن کسی که نیکی کند بی نیاز است از کمک تو و رحمتت و نه آن کسی که بد کند و دلیری بر تو کند و خوشنودی تو را نجوید از تحت قدرت تو بیرون رود.»

یکی از جاهایی که خداوند اراده می‌کند و قدرت خود را بر همه قدرت‌ها غلبه می‌دهد، جریان ظهور امام زمان (عج) است. در این زمان که فساد و تباهی همه جا را در بر می‌گیرد، و مؤمنان تضعیف می‌شوند و ظالمان غلبه پیدا می‌کنند، خداوند منجی عالم بشریت را می‌فرستد و حکومت در اختیار مؤمنان ضعیف شده قرار می‌گیرد: «نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّه وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ»[[۱۵]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn15" \o ")

اگر کسی ضعف و ناتوانی خود را بشناسد و از طرف دیگر به قدرت بی نهایت خدا ایمان و باور داشته باشد، قطعا دست از گناه و خطا برمی‌دارد و به سوی اطاعت و فرمانبرداری از دستورات خدا هدایت می‌شود.

روزی جوانی خدمت امام حسین (ع) رسید و گفت، من مردی گناهکارم و نمی‌توانم خود را در انجام گناهان باز دارم، مرا نصیحتی فرما.

امام حسین (ع) فرمودند: «پنج کار را انجام بده و آنگاه هر چه می‌خواهی گناه کن.

اول: روزی خدا را مخور و هر چه می‌خواهی گناه کن؛

دوم: از حکومت خدا بیرون برو و هر چه می‌خواهی گناه کن؛

سوم: جایی را انتخاب کن تا خداوند تو را نبیند و هر چه می‌خواهی گناه کن؛

چهارم: وقتی عزرائیل برای گرفتن جان تو آمد او را از خود بران و هر چه می‌خواهی گناه کن؛

پنجم: زمانی که مالک دوزخ تو را به سوی آتش می‌برد در آتش وارد مشو و هر چه می‌خواهی گناه کن.»

جوان اندکی فکر کرد و شرمنده شد و در برابر واقعیت‌های طرح شده چاره‌ای جز توبه نداشت.[[۱۶]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftn16" \o ")

[[۱]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref1" \o "). روش ابهام در موضوع.

[[۲]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref2" \o "). «وَ إِذا قیلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لِلَّذینَ آمَنُوا أَ نُطْعِمُ مَنْ لَوْ یَشاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ فی‏ ضَلالٍ مُبینٍ» (یس/ ۴۷)

[[۳]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref3" \o "). علق/ ۶و ۷.

[[۴]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref4" \o "). قصص/۴.

[[۵]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref5" \o "). انسان/۲۸.

[[۶]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref6" \o "). یوسف/۴۷.

[[۷]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref7" \o "). انبیاء/ ۸۷.

[[۸]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref8" \o "). درس اخلاق علامه مصباح یزدی (مد ظله)، ۲۲/۰۵/۹۰.

[[۹]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref9" \o "). اقتباس از حیوة القلوب، ج ۱، ص ۱۷۵.

[[۱۰]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref10" \o "). انبیاء/ ۷۰.

[[۱۱]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref11" \o "). بحار، ج ۱۲، ص ۳۷.

[[۱۲]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref12" \o "). جوامع الحکایات، ص ۲۰.

[[۱۳]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref13" \o "). مجمع البیان، ج ‏۷، ص ۲۶۵.

[[۱۴]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref14" \o "). مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

[[۱۵]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref15" \o "). قصص/۵.

[[۱۶]](file:///Z:\\%D8%AF%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%20%D8%A7%D9%82%D8%AF%D8%A7%D9%85\\%D9%81%DB%8C%D8%B4%20%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D8%B3%D8%A7%D9%84%2095\\%D9%85%D9%86%D8%A8%D8%B1%20%D9%85%DA%A9%D8%AA%D9%88%D8%A8%20%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86%20-%20%2095\\%D8%A8%D8%B9%D8%AF%20%D8%A7%D8%B2%20%D8%A7%D8%B5%D9%84%D8%A7%D8%AD%D8%A7%D8%AA-%2025%20%D8%A7%D8%B1%D8%AF%DB%8C%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA\\00%2018%20%23U06af%23U0631%23U06cc%23U0632%20%23U0646%23U0627%23U067e%23U0630%23U06cc%23U0631%23U06cc%20%23U0627%23U0632%20%23U062d%23U06a9%23U0648%23U0645%23U062a%20%23U0627%23U0644%23U0647%23U06cc.docx" \l "_ftnref16" \o "). بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۶.